[illegible] مطبع نور الانوار مطبوعه یکم اکتوبر سنه ۱۸۸۱ع بلنری ۳۰ ج ۱۱

استفتاء

بسم الله الرحمن الرحیم

چه میفرمایند علمای دین محمدی و مفتیان شرع متین مصطفوی که ذبح کردن گاو و خوردن گوشت آن از کدام کدام آیت قرآنی ثابت است و ذبح درزمان نبی صلی الله علیه وسلم گاو را از کدام کدام حدیث ثابت میشود و صحیح و برای مسلمان منکر حلت آن یا مسلمان مداهن دین مطهر متنفر خوردن گوشت گاو با نصوص که هنودان کردن قربانی گاو و ذبح شدن آن را منع میکنند و آن گوشت میدارند و از هنودان گوید یا مسلمانان که من هم گوشت گاو نمیخورم و در شرع متین برای خوردن گوشت گاو حکم نیست و برای قربانی گاو از کدام کدام کتب فتاوای معتبره احکام آن ثابت و مستنبط میشوند و برای اینچنین منکر شیء حلال و اینچنین مداهن کدام احکام شریعت نازل شده است مفصلا ارشاد فرمایند بینوا توجروا —

حامداً مصلیاً

سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

ذبح کردن گاو و خوردن گوشت آن از آیات قرآنی و حدیث نبوی و اجماع امت ثابت است اما آیات قرآنی پس فرمود جناب او سبحانه و تعالی در سوره مائده أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

حلال کرده شده است شما را چهارپایان مواشی مگر آنکه تلاوت کرده شده بر شما ف باجماع مفسرین مراد از بهیمة
الانعام [illegible] شتر و بز و گوسفند است آنکه از جنس مواشی است و موجود در سوره انعام ومن الانعام حمولة
وفرشا کلوا مما رزقکم الله ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو
مبین ترجمه و پیدا کرد از چهارپایان باربردارنده و جانوری را که بزمین غلطانند بجهت ذبح خوردن
[illegible] روزی داده است خدا شما را و پیروی نکنید گامهای شیطان را هر آینه او شما را دشمن ظاهر است
[illegible] از تفسیر بیضاوی و عباسی مراد از حمولة کبار جانوران که صلاحیت باربرداری دارند مثل گاو
و شتر و از فرشا جانوران صغار مثل بز و گوسفند و بچه گاو و شتر زیرا چه اینها [illegible]
[illegible] که گویا فرش است [illegible] و تعالی ثمانیة ازواج من الضأن اثنین [illegible]
[illegible] قل آلذکرین حرم ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین نبئونی
بعلم ان کنتم صادقین ومن الابل اثنین ومن البقر اثنین قل آلذکرین حرم
ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین ام کنتم شهداء اذ وصاکم
الله بهذا فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم ان الله لا
یهدی القوم الظالمین ترجمه آفریده است خدای تعالی هشت قسم را از گوسفند دو قسم و از بز دو قسم نر و ماده
از هر یک بگو آیا این دو نر را حرام کرده است خدا تعالی یا این دو ماده را یا آنرا که بر [illegible]
[illegible] شامل است [illegible] است گو پیدا کرد از شتر دو قسم و از گاو دو قسم بگو این
دو نر را حرام کرده است یا این دو ماده را یا آنرا که مشتمل شده است بروی رحمهای این دو ماده آیا حاضر بودید
وقتیکه حکم کرد شما را خدا با آن پس کیست ستمگارتر از کسیکه بندد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را

بغیر دانش هر آئینه خدا راه نمی نماید قوم ستمگار را انتهی ف از تفسیر مدارک و گفته مشرکین مکه گاهی ماده [illegible]
[illegible] و گاهی نران و گاهی آنچه بود در رحم مادگان بود از خود حرام میکردند و میگفتند که خدای تعالی
حرام کرده است او تعالی بر ایشان انکار کرد و فرمود که جمله هشت قسم اند از نر و ماده گاو دو قسم و از نر و ماده
شتر دو قسم از نر و ماده گوسپند دو قسم و از نر و ماده بز دو قسم و یا آنچه در رحمهای ماده ها [illegible]
ماده بگو که آیا از نرها اند مرکه را حرام کرده است الله تعالی [illegible]
کرده [illegible] تحریم او از جهت الله تعالی است اگر راست گو هستید [illegible] قول خود [illegible]
[illegible] حلال است [illegible]
[illegible] الله تعالی [illegible] حلال و حرام [illegible]
[illegible] قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ
يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ترجمه بگو نمی یابم در آنچه وحی فرستاده شد بسوی من چیزی حرام [illegible]
[illegible] خوک [illegible] یا آنچه فسق باشد [illegible]
[illegible] وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ
وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَٰلِكَ
جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ترجمه و بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن دار [illegible]
حرام ساختیم بر ایشان [illegible] دو قسم مگر [illegible] این هر دو قسم [illegible]
متعلق شده باشد [illegible] ایشان [illegible]

حلال کرده شده است شما را چهارپایان مواشی مگر آنکه تلاوت کرده شده بر شما ف باجماع مفسرین مراد از بهیمة
الانعام [illegible] شتر و بز و گوسپند آنکه از جنس مواشیانست و مؤید در سوره انعام ومن الانعام حمولة
و فرشا کلوا مما رزقکم الله ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو
مبین ترجمه و پیدا کرد از چهارپایان باربردارنده و جانوری را که بر زمین غلطانند بجهت ذبح و خوردن
بخورید از روزی داده است خدا شما را و پیروی مکنید گامهای شیطان را به آنکه او شما را دشمن ظاهر است
[illegible] مراد از حمولة جانوران کبار که صلاحیت باربرداری دارند مثل [illegible]
و مراد از فرش جانوران صغار مثل بز و گوسپند و بچه گاو و شتر زیرا چه اینها بسبب [illegible]
[illegible] گویا فرشیست گسترانیده و مؤید قول تعالی ثمانیة ازواج من الضأن اثنین
ومن المعز اثنین قل آلذکرین حرم ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین نبئونی
بعلم ان کنتم صادقین ومن الابل اثنین ومن البقر اثنین قل آلذکرین حرم ام
الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین ام کنتم شهداء اذ وصاکم الله بهذا
فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم ان الله لا
یهدی القوم الظالمین ترجمه آفرید الله تعالی هشت قسم را از گوسپند دو قسم و از بز دو قسم نر و ماده
از هر یک بگو آیا این دو نر را حرام کرده است خدا تعالی یا این دو ماده را یا آنرا که بر گرفته است رحمهای این دو
[illegible] اگر هستید راست گو و پیدا کرد از شتر دو قسم و از گاو دو قسم بگو آیا
دو نر را حرام کرده است یا این دو ماده را یا آنرا که مشتمل شده است بر وی رحمهای این دو ماده آیا حاضر بودید
وقتیکه حکم کرد شما را خدا بآن پس کیست ستمگارتر از کسیکه بندد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را

بغیر دانش هر آئینه خدا راه نمی نماید قوم ستمگاران را انتهی ف از تفسیر مدارک و کبیر [illegible] گاهی ماده را
حواشی و گاهی نران و گاهی آنچه بنوزد در رحم مادگان بودند از خود حرام میکردند و میگفتند که خدا تعالی
حرام کرده است او تعالی بر ایشان انکار کرده فرمود که جمله هشت قسم اند از نر و ماده گاو دو قسم و از نر و [illegible]
شتر دو قسم از نر و ماده گوسپند دو قسم از نر و ماده بز دو قسم و یا آنچه در رحمها ماده [illegible]
[illegible] بگوئید که آیا از نرها آن امر کی را حرام کرده است الله تعالی [illegible]
[illegible] تحریم او از جهت الله تعالی است اگر راست گوئید [illegible] قول خود که او را الله تعالی [illegible]
[illegible] شریعت [illegible] بگوئید که [illegible] حلال است [illegible]
[illegible] الله تعالی [illegible] حلال [illegible] حرام [illegible]
[illegible] الله تعالی [illegible] قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ
يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ترجمه بگو نمی یابم در آنچه وحی فرستاده شد بسوی من چیزی حرام [illegible]
[illegible] باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک [illegible] آن حرام [illegible] است یا آنچه فسق باشد [illegible]
[illegible] کرده شده وقت ذبح وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ
وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَٰلِكَ
جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ترجمه و بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن دار [illegible]
حرام ساختیم بر ایشان [illegible] دو قسم [illegible] داشته است [illegible] این هر دو قسم [illegible]
متعلق شد [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible] در [illegible]

بر یهودیان که حرام شده بجزای ظلم ایشان ست و با وجود این گاو بر ایشان حلال بود بدستور پیه آن
که سوای پیه پشت و روده ها باشد و در سورهٔ حج قوله تعالی وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِيْ اَيَّامٍ مَّعْلُوْمٰتٍ
عَلٰى مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيْمَةِ الْاَنْعَامِ فَكُلُوْا مِنْهَا وَاَطْعِمُوا الْبَآئِسَ الْفَقِيْرَ ترجمه و یاد کنند
نام خدا در روزهای چند دانسته شده یعنی عشرهٔ ذی الحجه یا ایام نحر علی اختلاف الروایتین بر ذبح
آنچه خدا تعالی روزی داده است ایشان را قسم چهارپایان مواشی یعنی گاو و شتر و بز و گوسپند پس
بخورید از ان و بخورانید درمانده درویش را این آیتها که قرات کردیم صریح دال اند بر ذبح کردن گاو و خوردن
و خورانیدن گوشت آن و در سورهٔ بقره آیت کریمه اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تَذْبَحُوْا بَقَرَةً ترجمه هر آئینه
الله تعالی حکم میکند شما را که ذبح کنید گاو خطاب ست به بنی اسرائیل و حکم ست برای ذبح گاو و اما حدیث
نبوی پس روایت کرد مسلم از جابر رضی الله تعالی عنه قال ذبح رسول الله صلی الله علیه و سلم
عن عائشة بقرة یوم النحر ترجمه گفت حضرت جابر رضی الله تعالی عنه که ذبح فرمود رسول الله
صلی الله علیه و سلم از عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها گاو را بروز قربانی و ایضا عنه نحر النبی
صلی الله علیه و سلم عن نسائه بقرة فی حجته رواه مسلم و در مشکوة المصابیح در فصل
ثانی از باب اضحیة عن ابن عباس قال كنا مع رسول الله صلی الله علیه و سلم فی سفر
فحضر الاضحی فاشترکنا فی البقرة سبعة ترجمه روایت کرد ترمذی و نسائی و ابن ماجه
از حضرت ابن عباس رضی الله تعالی عنه که ما بودیم همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم در سفری پس
رسید ایام قربانی پس شریک شدیم در یک گاو هفت کس اگر کسی گوید که خوردن گاو را از نبی صلی الله
علیه و سلم ثابت نشد باید گفت که ذبح کردن گاو برای خوردن و خورانیدن بود نه ضایع کردن

ولیکن اجماع امت پس مذکور است در جلد پنجم از فتاوای عالمگیری در باب ثانی از کتاب الذبایح
اما المستانس من البهایم فنحو الابل والبقر والغنم یحل بالاجماع ترجمه لیکن مستانس از چارپایان پس مثل شتر
وگاو وگوسفند حلال ست بالاجماع اینهمه که آورده ام دال ست بر ذبح نمودن وقربانی کردن گاو
وخوردن گوشت آن و دیگر آیات وحدیث وکتب فقهیه نیز علاوه این شاهد است از خوف اطناب
براینقدر اکتفا نموده ام ومنکر حلت آن یا گوینده این که برای خوردن گوشت گاو در شرع من حکم نیست
افترا کننده است دروغ را بر خدا وداخل ست تحت وعید آیه کریمه وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ
الْكَذِبَ هٰذَا حَلَالٌ وَهٰذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى
اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ترجمه ومگوئید چیزی را که بیان میکند حکم او زبان شما بدروغ آن حلال است
واین حرام تا افترا کنید بر خدا دروغ را هر آئینه آنانکه افترا میکنند بر خدا دروغ را رستگار نمیشوند
ف در تفسیر عباسی آورده لا یفلحون ای لا ینجون من عذاب الله یعنی نجات نمی یابند از عذاب خدا
وفرموده آن ملک العلام در سوره انعام فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ
مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا
مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُعْتَدِينَ ۝ ترجمه پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بر وی یعنی نزدیک ذبح اگر مومن
هستید بآیات خدا وچیست شما را که نمیخورید از آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بر وی وحالانکه تفصیل
بیان کرده است برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است الا آنچه مضطر باشید بسوی وی وهر آئینه بسیاری
گمراه میکنند بخواهش نفس خویش بغیر دانش هر آئینه پروردگار تو داناتر است بستمگاران

ف اندرین آیت حکم ست براے خوردن مواشیان که بطریق مشروع ذکر کرده شود بر و نام پاک
خدا و منع ست اجتناب کردن از وی بر مومنان را و گاو که او نیز ذبح کرده میشود همچنان داخل
است درین حکم پس نیست ازشان بنده مومن که احتراز نماید و متنفر شود از خوردن آن و آنکه به تبعیت
واطاعت دیگران و یا خوش و راضی کردن هندوان گوشت گاو نمیخورد مشرک ست و متبع راه
شیطان قال الله تعالی وَاِنَّ الشَّیٰطِیْنَ لَیُوْحُوْنَ اِلٰۤی اَوْلِیٰٓئِهِمْ لِیُجَادِلُوْكُمْ
وَاِنْ اَطَعْتُمُوْهُمْ اِنَّكُمْ لَمُشْرِكُوْنَ ترجمه آینه شیاطین وسوسه القا میکنند بسوی دوستان
خویش تا خصومت کنند از شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید مشرک باشید و فرمود او سبحانه در سوره
بقره یٰۤاَیُّهَا النَّاسُ كُلُوْا مِمَّا فِی الْاَرْضِ حَلٰلًا طَیِّبًا وَّلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّیْطٰنِ
اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ ملخص از تفسیر عزیزی یعنی ای مردمان برخلاف حکم شرع چیزے را
به تبعیت دیگران برخود حرام نسازید زیراکه این تبعیت نیز از اتخاذ انداد ست و حرام کردن چیزے
برخود گویا شرکت در کارخانه خدا است چه منصب تحلیل و تحریم اوراست دیگرے را سزاوار نیست
که در ملک او تصرف کند و تمام ترک این فعل قبیح آنست که چنانکه از اعتقاد حرمت آن چیزها
توبه نمائید همچنان كُلُوْا مِمَّا فِی الْاَرْضِ یعنی بخورید از آنچه در زمین ست زیراکه زمین و آنچه در وست
ملک خدا است و شما بندگان او چون مالک بنده خود را در ملک خود ساکن فرمود معاش او را
نیز برهمان ملک تنخواه فرمود آری اینقدر باید که آن چیزها که خورید باشد حَلٰلًا یعنی حلال که در
شریعت مصطفوی و ملت احمدی منع از و نیامده باشد و نیز میباید که باشد طَیِّبًا
... و دغا و رشوت و سود و دزدی آن از ملکش

نگرفته باشد زیرا که آن اگرچه فی نفسه حلال باشد لیکن چون حق غیر بآن متعلق ست و آن غیر راضی
نیست پس چنان باشد که چیزی پاک بنجاست آلوده گشته نجس شد و پاک نماند و چون در چیزی
این هر دو شرط یعنی طیب و حلال بودن جمع شوند پس از خوردن آن احتراز و اجتناب نکند
زیرا که باز احتراز و اجتناب از ین قسم چیز اثر وسوسهٔ شیطان ست مخالف حکم شرع وَلَا تَتَّبِعُوا
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ یعنی و پیروی نکنید گامهای شیطان را قدم بقدم او بروید که از طرف
خود بمقابلهٔ حکم خدا حکمی دیگر برارید چنانکه شیطان در مقابلهٔ حکم الٰهی که بسجدهٔ آدم او را رسیده بود
شقی برآورد و گفت اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَّخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ و چه قسم شما پیروی
شیطان را اختیار میکنید حالانکه اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ یعنی بتحقیق او برای شما دشمنیست که دشمنی
برملا ظاهر میکند و هر که پیروی دشمن خود کرد دیده و دانسته در معرض تلف انداخت نعوذ بالله منها
اگر کسی حرام اعتقاد کرد خوردن گوشت گاو را چه در فتاوای عالمگیری منقولست از قول فقهای
دین که کافر شد هر که اعتقاد کرد حلال را حرام یا برعکس این و هکذا عبارتها من اعتقد الحلال حراما
او على القلب فيكفر و گاو حلال ست بالاجماع کما قرّ و بآن صورت که هندوان ذبح شدن
گاو و قربانی آن منع میکنند امتناع ورزیدن از شریعت یزدانی اعراض نموده براه شیطانی رو کرد نست
وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ترجمه هر که دوست
گیرد شیطان بجز خدا پس زیان کار شد زیان کار ظاهر یعنی خسر الدنیا والآخرة و چون هندوان
بمقابلهٔ حکم خدا حکمی دیگر می آرند و گاو جائز فرموده او را ناجائز میکنند مسلمان را لازم ست
که برای ابطال قول باطل ایشان خوردن گاو از شعار اسلام دانند و امتثال حکم الٰهی نموده

دریجا آوری احکام دین خود کوشند قال الله عزوجل ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ترجمہ باز ساختیم ترا ابراد ظاهر دین پس پیروی کن آن را و پیروی مکن خواهش آنانکه نمیدانند توحید الله تعالی یعنی مشرکین هر آئینه ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از عقوبت خدا و هر آئینه ستمگاران بعض ایشان کارسازان بعض اند و خدا کارساز متقیان است هذا و احکام قربانی گاو در جمیع کتب فقهیه و فتاوی مستنده موجود ست هر که ادنی بصیرت علمی خواهد داشت تواند دریافت والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب فقط

حرره الراجی رحمة ربه الجلیل احقر العباد محمد اسمٰعیل المجهلی شهری عفی الله عنه ذنوبه ستره عیوبه —+

هُوَ الْعَلَّامُ

واقعی ذبح گاو و خوردن گوشت آن از آیات قرآنی ثابت ست و ذبح نبی صلعم گاو را از حدیث واضح و برای قربانی گاو از کتب معتبره همچو هدایه وغیره احکام مستنبط میشوند و برای منکر حلت آن یا مداهن دین مطهر وعید ست والله علیم حرره ابو الاحیار محمد نعیم عفی عنه ۵ شهر ۱۱ ۱۲۹۸ +

هُوَ الْمُصَوِّبُ

ذبح کردن گاو و خوردن گوشت آن بالاجماع حلال ست و حلتش از قرآن و حدیث ثابت ست آنحضرت صلی الله علیه وسلم خود ذبح بقر فرموده و گوشت آن را تقسیم فرموده و همچنین صحابه ذبح میکردند و گوشت آن می خوردند والله اعلم حرره الراجی عفو ربه القوی ابو الحسنات محمد عبد الحی تجاوز الله عن ذنبه الجلی والخفی ❊

محمد عبد الحی ۱۲۸۹ ابو الحسنات

هو المجیب

فی الواقع ذبح گاو و خوردن گوشت آن بخوبی مطابق احوال شرعیه به پایه اثبات رسیده



آیات قرآن و احکام احادیث و اعمال صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین

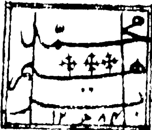
دال بر همعنی ست فقط والله اعلم بالصواب حرره الفقیر محمد عبد الوهاب عفی الله عنه +

هو الحاکم



اصاب من اجاب حرره ابو الکرم محمد اکرم تجاوز الله تعالے عما اجرم +

هو البصیر



الجواب صحیح نمقه خادم اولیاء الله الکریم محمد ابراهیم غفر له الله الرحیم ﷺ +

هو العلی الرب الحکیم الحلیم

بلا شبہ ذبح کردن گاو و خوردن گوشت آن بالاجماع حلال ست که از آیات قرآنی و احادیث

نبوی صلعم ثابت و متحقق ست و آنحضرت صلعم خود ذبح بقر فرمود و گوشت آنرا تقسیم نمود همچنین

حضرات صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین ذبح بقر میکردند و گوشت آن را میخوردند هکذا فی الکتب



الفقهیه المعتبرة و بحق منکر حلت آن و مداهن دین مطهر وعید

ناطق ست والله اعلم و حکمه احکم فقط حرره عبد الاتقی

القسی الاثیم خادم العلماء والفقراء ابو الحیا محمد عبد الحلیم

عفا عنه ربه الکریم مقام دار العلم فرنگی محل من محلات البلدة لکهنو

مورخه بست و هفتم شعبان المعظم سنه ۱۲۹۰ هجری قدسی صلعم روز دوشنبه

هو الحمید

مامرر فی ہذا الکتاب صواب صواب موافق للسنۃ و اجماع اولی الالباب

کتبہ خادم الطلبا ابو الغنا محمد عبد الحمید غفر لہ اللہ الحمید الفرنجی محلی

(مہر: محمد عبد الحمید ابو الغنا)

هو السمیع

ذبیحہ گاو و شتر و گوسفند از کتب صحیحہ شرعیہ و احادیث نبویہ ثابت و خوردنش متحقق کما لا یخفی

معترض اینہا را سوائے تجاہل و اخفاے حکم ربانی چہ گفتہ آید نعوذ باللہ من عقاید الباطلیہ

حررہ عاصی پر معاصی محمد کرم علی واعظ فرخ آبادی عفی عنہ

هو العلیم

بلا شبہ جواز ذبح گاو و قربانی او و حلت اکل او از قرآن مجید و احادیث صحیحہ و اجماع امت

ثابت ست چنانچہ مجیب مصیب نقل کردہ ہمہ اہل اسلام برین متفق اند و بوقت نذر واجب میشود

و ترکش باعتقاد حرمت یا کراہت ممنوع و بحق مسلم مداہن دین متین اسلام ذو وجہین وعید شدید

شر الناس وغیرہ وارد ست قال اللہ تعالیٰ یا ایہا الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافۃ

ترجمہ اے مومنان داخل شوید در اسلام کامل امام رازی تحت این آیہ در تفسیر کبیر افادہ فرمود

ان ہذہ الآیۃ نزلت فی طائفۃ من مسلمی اہل الکتاب کعبد اللہ بن سلام

و اصحابہ و ذلک لانہم حین آمنوا بالنبی علیہ السلام اقاموا بعدہ علی تعظیم

شرائع موسیٰ علیہ السلام فعظموا السبت و کرہوا لحوم الابل و البانہا و کانوا

یقولون ان ترک ہذہ الاشیاء مباح فی الاسلام و واجب فی التوراۃ فنحن نترکہا

احتیاطا فکره الله تعالی ذلک منهم وامرهم ان یدخلوا فی السلم کافة
ای فی شرایع الاسلام کافة انتهی ترجمه بیشک این آیه نازل شده در حق گروهی
از مسلمانان اهل کتاب مثل عبد الله بن سلام و یاران او زیرا که تحقیق ایشان وقتیکه ایمان
آوردند به نبی صلی الله علیه وسلم مستعد شدند بعد آن بتعظیم شریعت موسی علیه السلام پس بزرگ
دانستند روز شنبه را و مکروه دانستند گوشت شتر و شیر او را و گفتند که ترک این اشیا مباح ست
در اسلام و واجب ست در توریت پس ما ترک می کنیم این اشیا را برای احتیاط پس مکروه داشت
خدا تعالی این فعل را از ایشان و حکم فرمود که داخل شوید در اسلام بطور کامل ای در احکام
اسلام بطریق کامل و فی المشکوة عن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه
وسلم تجدون من شر الناس یوم القیمة ذا الوجهین الذی یاتی هؤلاء بوجه و
هؤلاء بوجه متفق علیه وعن عمار قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
من کان ذا وجهین فی الدنیا کان له یوم القیمة لسان من نار رواه الدارمی ترجمه
و در مشکوة روایت از ابی هریرة رض است گفت ابو هریرة فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
می یابید بدترین مردمان روز قیامت مرد دو رو که بیاید نزد یک گروهی و بیک سخن
گوید و نزد گروه دیگر بدیگر سخن روایت کرد این را بخاری و مسلم و روایت ست از عمار رض
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم شخصی که در دنیا دو رو باشد و را بروز قیامت
زبان از آتش روایت کرد این را دارمی مراد از مرد دو رو مرد منافق و خوشامدی ست
که نزد هر یکی حسب خواهش او سخن سراید و خیال حق و باطل ندارد والله اعلم

و علمه اتم و احکم حرره العبد الراجی مغفرة ربه القوی محمد عبد الغفار الکهنوی عفی الله عنه ذنوبه عن اسلافه ۔ ÷



هو العزیز العلیم الخبیر

الحق جائز بودن ذبح گاو و قربانی نمودن آن و هم حلال بودن خوردن گوشت آن از اصول شرعیه بپایه ثبوت فائز گشته چنانچه مجیب نقلش پرداخته و در تفسیر فتح العزیز متعلق بسورهٔ کوثر مرقوم است باید دانست که خود را یا پسر خود را یا غلام خود را ذبح کردن در شریعت جائز نیست زیرا که جانهای بشری مملوک کسی جز خدا نیست و لهذا کشتن غلام و کنیزک را نداشته اند ملک آدمی بر آدمی منحصر است بر ملک منافع و مکسوبات او پس چون از آدمی طلب جان مملوک او نمایند در امتثال آن غیر از دادن جان جانورے که پرورده و مختص او باشد یا پرورده بنی نوع او چاره نیست و همین سر است در آنکه قربانی منحصر در چار جنس است شتر و گاو و گوسفند و بز که در حقیقت انتفاع آدمی از همین چهار جنس است بگرفتن شیر و روغن و جغرات و سوار شدن و بار کردن و زراعت کردن و نسل پروردن بخلاف حیوانات وحشی و سباع درنده و غیر ذلک که این معنی در آنها متحقق نیست انتهی و در فتاوای برهنه آورده است که در صیدیه گفته که پیغامبر علیه الصلوة والسلام گوشت هفت جانور خورده شتر و بقر و گوسفند و مرغ خانگی و خرگوش و گور و حباری انتهی پس مسلمان منکر حلت گوشت گاو محق و در تحریم ما احل الله خواهد بود و مداهنت در دین که عبارت از تلف حق شرع شریف است برای رضامندی و دلداری کسے شرعاً مردود و نامحمود است چنانچه نیز در تفسیر فتح العزیز متعلق بسورهٔ بقره مسطور است اکثر مردم را درمیان مدارات و درمیان مداهنت فرق واضح نشده

مدارات وحسن خلق با هر مسلمان و کافر در شرع محمود ست و مداهنت و خوشامد معیوب و مردود و تنقیح

فرق درمیان این هر دو آنست که مدارات و حسن خلق عبارت از مسامحت در حق خود ست

و بنفسانیت کار نکردن و خود را واجب التعظیم ندیدن و از تقصیری که در حق خود رود در گذشتن و

مداهنت عبارت از مسامحت در امر دین ست و با وجود دیدن و شنیدن امور نامشروعه و اقوال

نامرضیه الهی تعصب نکردن و دین خود را سبک ساختن و از حق واجب شرع و دین در گذشتن مثلاً

اگر شخصی این کس را سخت گفت یا ترک تعظیم نمود در غضب نیامدن و بادی در پی انتقام نشدن بلکه

سلوک نیک کردن از قبیل حسن خلق و مدارات ست و اگر شخصی حرکتی مخالف شرع کرد یا ترک تعظیم

دین نمود با وی موافقت نمودن و اظهار ناخوشی نکردن و سخن او را رد نکردن از باب مداهنت

و خوشامد ست پس حسن خلق و مدارات تلف حق خود ست برای رضامندی و دلداری کسی و مداهنت

تلف حق شرع ست برای همین غرض فاسد و درمیان این هر دو بون بائن ست یکی از دیگری

امتیاز کلی دارد بهیچ وجه مشتبه نمیشود انتهی مختصراً والله سبحانه اعلم بالصواب و عنده ام الکتاب

حرره العبد الخامل محمد عادل عامله الله تعالی بفضله الشامل و اصلح حاله بلطفه الکامل فی العاجل

والآجل + +

محمد عادل ۱۲۹۶
حاکم محکمهٔ شرع

هو العزیز

بلا شک خوردن گوشت گاو و قربانی کردن آن بالاتفاق جائز ست و ثبوت آن از آیات قرآن مجید و احادیث نبوی

چون آفتاب روشن و هویداست چنانچه مجیب مصیب بذکرش پرداخته است پس منکر حلت گوشت گاو

و تحریم ما احل الله میکند و مستحق وعید شدید میگردد و مداهن دین نیز آثم و گنهگار ست کتبه عبد الفقیر

الی اللہ الغنی محمد علی اصلح اللہ حالہ الخفی والجلی -+

هُوَ المُوَفِّق

فی الواقع ذبح کردن گاو و خوردن گوشت آن بلا شبہہ جائز و مستحب و سنت صحابہ رضوان اللہ علیہم اجمعین و اجتناب از
وی بخیال تعظیمش مکروہ و ممنوع چنانکہ مجیب مصیب بتفصیلش پرداختہ جزاہ اللہ خیر الجزاء و اللہ اعلم کتبہ
محمد عبد الاحد بن الحاج السید آل احمد الحسینی البلگرامی عاملهما اللہ بلطفہ العزیز السامی -+

استفتای ثانی مع تصحیح

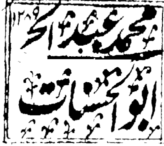
علمای کرام و فضلای عظام نے ایک فتوی ذبح گاو کی نسبت لکھا تھا بسبب اجمال بعض کے ذہن مین اصل مطلب آیا
اسوجہ سے وہ مضمون بسط کی تشریح کی خواستگار ہوئے لہذا فتوے صاف صاف لکھا گیا پس بغرض رفع اشتباہ استفتا مع تصریح
درج ذیل ہو تاکہ خاص و عام کو خلجان باقی نرہے

بسم اللہ الرحمن الرحیم

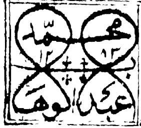
کیا فرماتے ہین علمای دین ہب حنفیہ اسبارہ مین کہ گاو کشی کوئی ایسا امر ہے کہ جسکے نکرنے سے کوئی شخص دین اسلام سے خارج
ہو جاتا ہے یا اگر کوئی شخص معتقد اباحت ذبح ہو مگر کوئی گاو اوسنے ذبح نکی ہو یا گاو کا گوشت نکھایا ہو ہر چند کہ
اکل اوسکا جائز جانتا ہو تو اوسکے اسلام مین کچھ فرق نہ آئیگا اور وہ کامل مسلمان ہوگا گاو کشی کوئی واجب فعل ہی
کہ جسکا تارک گنہگار ہوتا ہے یا اگر کوئی شخص گاو کشی نکرے صرف اباحت ذبح کا دلسے معتقد ہو تو وہ گنہگار نہوگا جہان
بلاوجہ اس فعل کے ارتکاب سے شور ان فتنہ و فساد ہو اور مقتضی ضرر اہل اسلام ہو اور کوئی فائدہ اس فعل پر مترتب نہو اور عملداری
اہل اسلام بھی نہو وہان بلاوجہ اگر اس فعل سے کوئی باز رہے تو جائز ہو یا یہ کہ بلا اسباب ایسے حالت مین بقصد اثارۂ فتنہ
و فساد ارتکاب اس فعل کا واجب ہو -+

هو المصوب

گاؤکشی واجب نہین تا کہ اسکا تارک گنہگار ہوگا اور جو شخص معتقد اباحت ہو اور گوشت اوسکا نہ کھاتا ہو اور نہ ذبح کرتا ہو اوسکے اسلام مین فرق نہین آویگا ہان جو گاؤ کو معظم سمجھکر ذبح نکرتا ہو یا اوسکے ذبح کو برا سمجھتا ہو اوسکے اسلام مین فتور ہوگا اور بقصد اثارۂ فتنہ گاؤکشی نہین چاہیے بلکہ ایسے مقام پر جہان فتنہ کا ظن غالب ہو باوجود سلامت اعتقاد کے احتراز اولی ہے واللہ اعلم حررہ الراجی عفو ربہ القوی ابو الحسنات محمد عبد الحی تجاوز اللہ عن ذنبہ الجلی والخفی



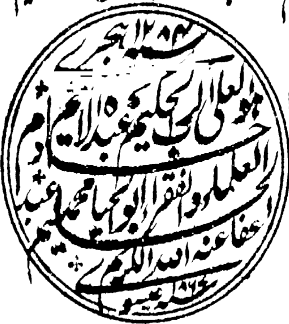
هو الرحیم



الجواب صحیح واللہ اعلم حررہ الفقیر محمد عبد الوہاب عفا اللہ عنہ

هو العلی الرب الحکیم الحلیم

صح الجواب واللہ اعلم بالصواب وعندہ ام الکتاب فقط حررہ عبدہ الاسی العاصی الآثم



خادم العلماء والفقراء ابو الحیا محمد عبد الحلیم عفا عنہ اللہ الکریم متمقام دار العلم فرنگی محل من محلات البلدۃ لکھنؤ مورخہ بست و نہم رجب المرجب سنہ ۱۲۹۸ ہجری قدسی صلعم مطابق بست و پنجم جون ۱۸۸۱ع روز شنبہ

سوال

حضرات علمائے کرام جنکے مواہیر ہیں جو اس پرچہ پر ثبت ہین استفسار ہے کہ آج اب مین آپکی مراد اس جملے سے کہ بقصد اثارت فتنہ گاؤکشی نہین چاہیے بلکہ ایسے مقام پر کہ جہان فتنہ کا ظن غالب ہو باوجود سلامت اعتقاد کے احتراز اولی ہے کیا مراد ہے آیا یہ مراد ہے کہ ابتدائً فتنہ اہل اسلام کیطرف سے نہو یعنی جہان عملداری ہنود کی ہو اور گاؤ ذبح نہوتی ہو وہان مسلمان بقصد فتنہ انگیزی گاؤکشی نکرے یا یہ کہ بلاد ہندوستان وغیرہ مین کہ جہان ہمیشہ سے اہل اسلام گاؤ ذبح

کرتے چلے آئے ہون اور اس ذبح کرنے مین کبھی انکو مقصود فتنہ انگیزی نہین ہوئی بلکہ اجرائے حکم شریعت اب اگر کوئی مسلمان ان بلاد مین گائے ذبح کرے اور ہنود بنظر تعصب مذہبی کے اوسکو منع کرے تو وہ مسلمان اوس سے باز رہے بتفصیل ارشاد ہو کہ ایسی صورت مین اہل اسلام کو ترک گاوکشی اولی ہے یا کیا بینوا توجروا +

هو المصوب

گائے ذبح کرنا شرعاً اگرچہ فعل مباح ہے واجب نہین مگر ایسا مباح نہین کہ کسی زمانہ خاص یا بلدہ خاص مین اسکا رواج ہو اور دوسرے زمانہ مین یا دوسرے بلدہ مین نہو بلکہ یہ ایک طریقہ قدیمہ ہے زمان آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و صحابہ و تابعین جملہ سلف صالحین سے تمام بلاد و امصار مین اور اسکی اباحت پر اجماع و اتفاق ہے تمام اہل اسلام کا ایسے امر شرعی ماثور قدیم سے اگر ہنود روکین اور از نظر تعصب مذہبی منع کرین تو مسلمانون کو اوس سے باز رہنا نہین درست ہے بلکہ جبکہ ہنود ایک امر شرعی قدیم کے ابطال مین کوشش کرین تو اہل اسلام پر واجب ہے کہ اسکے ابقا و اجرا مین سعی کرین اور اگر ہنود کے کہنے سے اس فعل کو چھوڑ دینگے تو گنہگار ہونگے اور مقصود اونکا یہ جو جواب سابق مین مرقوم ہوا ہے کہ بقصد برانگیختہ کرنے فتنہ و فساد کے گاوکشی نہ چاہیے مثلاً جہان علی الاعلان ہنود کی ہتک ہووے اور گائے وہان ذبح نہ ہوتی ہو وہان مسلمان بقصد ایذا مردم آزاری خواہ مخواہ گائے ذبح کرے یا عید الضحی مین کسی ہندو کے مکان کے قریب جاکے بایں خیال ذبح کرے کہ فتنہ قائم ہووے ایسی صورت تو کا ارتکاب نہ چاہیے بلکہ ایسی حالت مین ترک اولی ہے اور بلاد ہندوستان وغیرہ مین جہان ہمیشہ سے گائے ذبح ہوتی ہی اور مقصود اہل اسلام اس سے فتنہ انگیزی نہین ہے بلکہ ابقاء شریعت قدیمہ ہے ایسی حالت مین اگر ہنود منع کرین تو ترک اوسکا اولی نہین بلکہ اوسکے ابقا مین سعی واجب و لازم ہے واللہ اعلم

حررہ الراجی عفو ربہ القوی ابو الحسنات محمد عبد الحی تجاوز اللہ عن ذنبہ الجلی و الخفی +

محمد عبد الحی
ابو الحسنات

هو المصوب

فی الواقع جن بلاد مین رواج گاؤکشی کا بقصد فتنہ و فساد کے جاری رہا اور اب کوئی قوم ہنود سے مانع ہی اون بلاد مین مسلمانونکو رسم گاؤکشی کی باقی رکھنے مین کوشش لازم ہی اور مراد اوس فقرہ مسئول عنہا سے یہ ہی کہ جہان عملداری اور ریاست خاص ہنود کی ہی اور گاؤکشی وہان نہیں ہوتی اوس جگہ پر باعلان گاؤکشی کا بنظر قیام فتنہ اولی نہیں ہی یہ بات مطلقا نہ اولویت گاؤکشی کی ہر جگہ سے جاتی ہے بلکہ جن بلاد مین رسم گاؤکشی کی جاری ہی یا جن بلاد مین ہنود کو تشدد دربارہ گاؤکشی نہ تھا اور اب کیا جاتا ہی وہان گاؤکشی کا ترک اولے نہیں ہی واللہ اعلم حررہ الفقیر محمد عبد الرب عفا اللہ عنہ



هو العلی الرب الحاکم الحلیم

الجواب صحیح فی الواقع مقصود جملہ جواب سابق سے یہ ہی کہ بارادہ برانگیختہ کرنے فتنہ و فساد کے عملداری ریاست خاص ہنود میں جہان کہیں بالفعل قدیم سے گاؤکشی نہوتی ہو بمصالح وقت عادتہ گاؤکشی علانیہ نچاہیے کہ رفع فساد بہتری یا مثلا بقرعید مین کسی ہندو کے ہمسایہ مین علانیہ ذبح کرنا گاؤکا بایں ارادہ کہ فساد قایم ہو نچاہیے ہان جن بلاد و امصار و قصبات و قریات و دیہات و موضعات ہندوستان مین رواج گاؤکشی کا طریقہ قدیم ہی بلا قصد فتنہ و فساد قدیم الایام سے چلا آیا ہی اور اب کوئی ہندو بپاس تعصب مذہبی مانع و مزاحم ہی ایسے مواقع مین مسلمانونکو بپاس حمیت اسلامی ابقای رسم گاؤکشی مین کوشش بلیغ لازم ہی نہ یہ کہ ترک کرین اور فقرہ مسئول عنہا سے مراد نہین ہی کہ تقلید و اتباع ہنود مین مطلقا گاؤکشی کہ ماثور قدیم ہی اور جسکی اباحت پر اجماع و اتفاق جمیع اہل اسلام کا از سلف تا خلف رہا ہی اور رہیگا ممانعت اور مزاحمت ہنود سے ترک ہوجاوے معاذ اللہ من ذلک ہرگاہ فی زماننا ہنود کو اہل اسلام سے تعصب مذہبی و عداوت بہت ہی کہ شعائر اسلامیہ سے روکتے ہین پس درینصورت مسلمانونکو بپاس حمیت اسلامی ایسے روکنے سے ہنود کے واسطے قربانی و ذبح گاؤ و کہانے گوشت گاؤ کے کہ طریقہ ماثورہ قدیم ہی ترک کرنا نچاہیے۔

اور انکی ممانعت کو تسلیم نکرنا چاہیے بہر حال گاوکشی کو کہ شعار مسلمانی ہے موقوف نکریں جیسا کہ اگر اس ممانعت مین احتمال
فساد فیما بین ہو تو بذریعہ حکام وقت دفع کرنا اوسکا بابقاء رواج قدیم واجب ہے اور بخوف فساد ہنود قربانی
و ذبح گاؤ سے مسلمان لوگ نہار باز رہین اسمین کوشش بلیغ کو کام فرماوین ورنہ گنہگار ہونگے ان ینصرکم
اللہ فلا غالب لکم واللہ غالب علی امرہ ہداکم اللہ الی سواء السبیل واللہ اعلم
وحکمہ احکم فقط حررہ عبدہ الاسنی القسی الاثیم خادم العلما و الفقرا ابو الحسنات محمد عبد الحلیم عفا عنہ
اللہ الکریم بمقام دار العلم فرنگی محل من محلات البلدۃ لکھنو



مورخہ یازدہم شوال المکرم ۱۲۹۵ سنہ ہجری قدسی صلعم
مطابق دہم ستمبر ۱۸۷۸ء روز شنبہ

هو الغنی

ذبح گاؤ فعل مباح قدیم الرواج شعائر اسلام سے ہے اہمال اسکا بلا وجہ وجیہ جائز نہین ہان اول
ابتدا اثارۂ فتنہ و فساد نچاہیے اور یہی معنی ہین فقرۂ جواب سابق کے پس جن بلاد مین ذبح گاؤ
مروج ہے اور شیوۂ اسلاف سابقین چلا آیا ذبح کرنا اثارۂ فتنہ و فساد پر بلا قرینہ کیونکر محمول ہو سکتا ہے
بلکہ احیاء سنت قدیمہ پر محمول ہوگا شق ثانی باطل ہوئی پس صورت رواج مین منع کرنا ہنود کا اونکی
جانب سے اثارۂ فتنہ و فساد ہوگا اسکو دفع کرنا مسلمانون کو ضرور ہے اور ایسی صورت مین اس
آئین دیرین کو کہ شعائر اسلام سے ہے ترک کرنا نچاہیے بلکہ اس طریقے کے ابقا مین سعی کرنا چاہیے
واللہ اعلم حررہ ابو الغنا محمد عبد المجید غفر لہ اللہ الوحید ابن مولانا المولوی الحافظ ابی الحیا محمد عبد الحکیم مد ظلہ العمیم علینا
و علی سائر المسترشدین ✤

محمد عبد المجید ۱۲۹۱
ابو الغنا

مطبوعہ مطبع نظامی کانپور

پیشین گوئی ۲

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ العزیز الغفار و سلامہ علی رسولہ المختار و آلہ و اصحابہ
الذین مثلھم فی التوراۃ و مثلھم فی الانجیل کزرع اخرج شطأہ
فآزرہ فاستغلظ فاستوی علی سوقہ یعجب الزراع لیغیظ بھم الکفار
قال اللہ تعالی جل شانہ فلما جاءھم الحق من عندنا قالوا لولا اوتی
مثل ما اوتی موسی سورہ قصص آیت ۴۸ یعنی اور جبکہ ہمارے یہاں سے اونکے
پاس حق آیا تو کہتے ہیں کہ اگر ویسا ہی آتا جیسا کہ موسی کیواسطے آیا تہا (تو ہم ایمان لاتے)
ارشادات قرآنی فصل ۴۴ اب اوس پیشین گوئی کا حال سنئے جو حضرت موسی ع نے استثنا
۱۸ باب ۱۵ و ۱۸ آیت میں کی اور عیسائی علماء اوسے حضرت عیسی ع کی بابت سمجھتے ہیں یا دینی و دنیوی
تاریخ صفحہ ۴۲۱۸ میں ہے کہ موسی کی معرفت خدا نے فرمایا کہ تجھ سا ایک نبی برپا کروں گا اور اگر
برابر لکھنا ہو تو نمیں مسیح کے بابت کوئی صاف و صحیح پیشین گوئی نہیں ہوئی تہی انتہی اور جس کا ذکر اعمال
۳ باب ۲۲ اور ۷ باب ۳۷ میں بھی اس طرح لکہا ہے کہ خداوند جو تمہارا خدا ہے تمہارے
بہائیوں میں سے تمہارے لئے ایک نبی میری مانند اوٹہاوے گا جو کچھ وہ تمہیں کہے اوسکی
سنیو اگرچہ یہہ کتاب اعمال تصنیف لوقا ہے جو کہ حواری تہا اور صرف پلوس اور
پطرس کی تواریخ ہے اور فرقہ ورن ٹی نیس اور سارے یونی اور سیویرینس اور بعضی فرقہ
منی کی ئیس نے اوس کتاب کا انکار کیا ہے یعنی معتبر نہیں جانا تو بھی انجیل سے مجھے اس
پیشین گوئی کا لکہنا مناسب ہوا تاکہ یہود و نصاری دونوں کے سامنے دلیل اور حجت ہو حضرت
موسی ع کے کلام میں یہہ عبارت زیادہ ہے تیرے درمیان سے (دیکھو استثنا ۱۸ باب ۱۸

مگر خدا کی طرف سے جو حضرت موسیٰ علیہ السلام کو ارشاد ہوا اوسمین عبارت مذکورہ نہین
ہے (دیکہو استثنا ۱۸ باب ۱۵) پطرس حواری کے کلام مین بہی جو استثنا ۱۸
باب ۱۵ منقول ہوئی اوس مین عبارت مذکورہ نہین ہے (دیکہو اعمال ۳ باب ۲۲)
اور استیفان نے اعمال ۷ باب ۳۷ مین جو اسکا ذکر کیا اوس مین بہی عبارت مذکورہ
نہین ہے اور نہ صرف یہی کہ انجیل مین توریت سے اتنی عبارت زیادہ ہے توریت
کے ترجمہ سیپٹواجنٹ مین بہی عبارت مذکورہ نہین ہے اس عبارت کی اصل حرف
یہہ دو حرف ہین یعنے خ م اور کاتبون کا قدیم زمانہ مین دستور تہا کہ سطر کے
آخر مین جو جگہہ رہجاتے اوس مین دو ایک بیکار حرف لکہدیتے تہے تاکہ سطر بہر جائے پس جبکہ
یہہ دو حرف لکہے گئے تو اوسکی نقل کرنیوالون نے غلطی سے اونہین داخل متن کرلیا اور
چند مدت کے بعد وہ کتاب کے عبارت ہوگئی — ڈاکٹر جوزف انگس صاحب مسیحی عالم کتاب
ہینڈ بک بیبل حصہ اول دفعہ ۳۸ مین لکہتے ہین کہ عہد عتیق کے نسخون مین کاتبون کا دستور تہا
کہ لفظ کے حصے نہین کرتے تہے اور سطرون کے آخر مین خالی جگہہ نہین چہوڑتے تہے اسلئے
وہ لوگ سطر کو کسی حرف سے پورا کردیتے تہے یا دوسرے لفظ کا اول حرف لکہدیتے
تہے اور پہر اوسکو دوسری سطر مین دوہراتے تہے یشعیاہ ۳۵ باب ۱ مین
اونکے لئے اسکی ایک مثال ہے انتہے
ایک بات اور ذکر کیے لایق ہے کہ استثنا ۱۸ باب ۱۵ مین ضمیر جمع غائب یعنی اون کے بہائیون
مین سے اور استثنا ۱۸ باب ۱۸ مین ضمیر واحد مخاطب ہے یعنی تیرے بہائیون مین سے مگر
اعمال ۳ باب ۲۲ اور ۷ باب ۳۷ سے بہی صیغہ جمع کا ثبوت ظاہر ہے جہان لکہا ہے کہ تمہارے
بہائیون مین سے علاوہ اسکے توریت مین اکثر جگہہ جمع کو واحد اور واحد کو جمع کرکے
لکہا ہے دیکہو استثنا ۵ باب ۷ و ۳۲ باب ۱۴ پس خدا نے حضرت اسحاق علیہ السلام کی نسل مین
جو نبوت قایم کی اوس مین حضرت موسیٰ علیہ السلام اول بانی شریعت ظاہر ہوئی اور خدا نے حضرت

اسمعیلؑ کیواسطے بہی جو برکت کا وعدہ فرمایا تہا اوسیکے بموجب حضرت محمدؐ
مصطفے صلے اللہ علیہ وسلم آخر بانی شریعت ظاہر ہوئی بس جس برکت کا شروع
حضرت موسیٰؑ سے ہوا تہا اوسکا تکملہ حضرت محمد مصطفے صلعم سے ہوا اور جس طرح
حضرت موسیٰؑ نے اپنی قوم بنی اسرائیل کو فرعون کی غلامی سے نکال کر خدا پرست بنایا اسی
طرح حضرت محمد مصطفے صلی اللہ علیہ وسلم نے اپنی قوم عرب کو بتون کی پرستش سے نکال
کر خدا پرست بنایا مگر حضرت عیسیٰؑ کے زمانہ مین تو بنی اسرائیل حضرت موسیٰؑ کی شریعت
عمل کرنیوالے توریت خوان اور خدا پرست تہے -
اگرچہ یہودی علما سمجہتے ہین کہ پیشین گوئی مندرجہ استثنا ۱۸ باب حضرت یشوع بن نونؑ
کی بابت ہے لیکن چونکہ عیسائی علما یہہ خبر حضرت عیسےؑ کی بابت ثابت کرتے ہین پس اگر ایسا
ہو تو یہہ خبر حضرت رسول اللہ محمد مصطفےؐ سے حضرت عیسیٰؑ کی نسبت زیادہ علاقہ رکہتی ہی
کیونکہ اعمال ۳ باب ۲۰ و ۲۱ کا مضمون تو یہی ہے اور یسوع مسیح کو پہر بہیجے جسکی منادی تم
لوگونکے درمیان آگے سے ہوئی (۲۱) ضرور ہے کہ آسمان اوسے لئے رہے اوس وقت
تک کہ سب چیزین جنکا ذکر خدانے اپنے سب پاک نبیون کی زبانی شروع سے کیا تہی
حالت پر آوین (۲۲) کیونکہ موسیٰ نے باپ دادون سے کہا کہ خداوند جو تمہارا خدا ہے تمہارے
بہائیون مین سے تمہارے لئے ایک نبی میری مانند اوٹہاوے گا الخ - یہان سے
تو صاف ظاہر ہے کہ حضرت عیسیٰؑ کے نزول سے بیشتر ایک نبی کا اوٹہنا ضرور ہے
علامہ اسکاٹ مفسر نے اعمال ۳ باب ۲۱ کے تفسیر مین لکہا ہے کہ وہ منتظر تہے کہ مسیح
علیہ السلام جلد اسرائیل کی بادشاہت کو پہر قایم کرے گا اور جسطرح بیشتر اوس نے یہودیونکو
توبہ کیواسطے ہدایت کی اسیطرح یہودیونکے وسیلے اور قومون کو اسرائیل کے مذہب
مین داخل کرے گا جسطرح موسیٰؑ نے نو مریدون کو دین یہود مین داخل کیا -
اس سے شاید وہ منتظر تہے کہ مسیح آسمان سے پہر آئیگا اور زمین پر ایک جلالی بادشاہت

قایم کریگا اور تمام دشمنون کو ہلاک کریگا جس کا تمام نبیون نے ذکر کیا ہے اور یہہ شبہ یہ
ہے کہ حواری بہت دنون بعد تک پنتکوست کے بہی مسیح کی تعلیم کو نہین سمجہے تہے یعنے
یہودیونکو رد کرنیکے واسطے غیر قومون کو ہدایت کرنے اور پیشین گوئیان پوری ہونے کا مطلب
نہین سمجہے تہے انتہے ۔ یہانسے ثابت ہوا کہ اگر حواریون نے پیشین گوئی مندرجہ استثنا ۱۸
باب کو حضرت عیسیٰ ع کی نسبت لکہا تو اس کا مطلب بہی بقول مفسر انجیل نہین سمجہے تہے
اور اگر اونہون نے سمجہہ لیا تہا تو اعمال ۳ باب ۲۱ سے ظاہر ہے کہ یہہ پیشین گوئی
اونہون نے حضرت عیسیٰ ع کے سوا کسی اور نبی کی نسبت بیان کی ہے
اس پیشین گوئی مین پہلی یہہ بات ہے کہ تمہارا خدا الحہ اور حضرت موسیٰ جس خدا کی پرستش کرتے
تہے وہ وحدہ لا شریک ہے نہ یہہ کہ صاحب تثلیث بس اوس خدا کے بہیجے ہوئے نبی کی یہ
یہی ہے کہ وہ موسیٰ کی مانند صرف توحید کی تعلیم دیتا ہو سے عقیدہ تثلیث اور یہہ تمام دنیا مین
صرف دو ہی فرقون کا عقیدہ ہے یعنی امت موسوی اور امت محمدی صلعم کا پہر یہہ کہ تمہارے
بہائیونین سے انتہے یعنے اولاد اسحاق ع یا بنی اسرائیل سے نہین بلکہ بنی اسمعیل ع سے
جو کہ حضرت اسحاق ع کے بہائی تہے اور اگر بنی اسرائیل سے مراد ہوتی تو بہائیون کا
لفظ کہنے کی کیا حاجت تہی بلکہ صرف یہی کہنا کافی تہا کہ تم مین سے دیکہو گنتی ۲۰ باب ۱۴ مین
موسیٰ ع نے قادس سے ادوم کے بادشاہ کو ایلچی کے ہاتہہ یون کہلا بہیجا کہ تیرا بہائی اسرائیل یون کہتا ہے الخ جبکہ ادومی
بنی اسرائیل کے بہائی کہلائے تو اسمعیلی زیادہ تر اس قرابت اور برادری مین ممتاز ہین اور
اسیطرح استثنا ۲ باب ۴ مین بہی ہے پہر پیدایش ۱۶ باب ۱۲ مین بنی اسرائیل ہی
کے مقابل مین اولاد حضرت اسمعیل ع کا ذکر یون لکہا ہے کہ وہ اپنے سب بہائیون کے
سامہنے بود و باش کریگا انتہی اور پیدایش ۲۵ باب ۱۸ مین ہے کہ وے اپنے
سب بہائیون سے پورب طرف ڈیرہ کرتے تہے پس جن لوگونسے حضرت موسیٰ ع نے یہہ خطاب کرکے
فرمایا وہ اس پیشین گوئی کے پورا ہونیکے وقت کہان تہے اسیطرح بہائیونکا لفظ سی بنی اسرائیل کے

حقیقی بھائی نہ سمجھنا چاہیے یعنی جس طرح تمہین کے لفظ سے وہان تمہاری
اولاد مراد ہے اسیطرح بھائیون کے لفظ سے بھی چچازاد بھائی مراد ہین اور
عجب یہہ کہ دو جگہہ کتاب اعمال مین اسکا ذکر آیا ہے مگر کسیجگہہ تیرے درمیان کا لفظ
مذکور نہین ہوا اور نہ استثنا ۱۸ باب ۱۸ مین جہان خدا کی طرف سے موسیٰ کو
خطاب ہے یہہ لفظ لکہا ہے باوجود اسکے اگر اس لفظ کو غیر محرف سمجہین تو
اس سے مراد یہی ہے کہ تیرے درمیان سے یعنی خدا پرستون کی نسل سے مطلب
یہہ کہ اولاد ابراہیم سے یا یہہ کہ خدا کی نسبت تمہارا ہی سا عقیدہ رکھتا ہوا وہ نبی
قایم ہوگا اور پھر اونیسوین آیت مین جو مطالبہ کا لفظ ہے اس سے مراد دنیوی مطالبہ ہے
کیونکہ مطالبہ اخروی تو ہر نبی ہی کے انکار کرنیوالے کی نسبت ضرور ہے اور یہہ دنیاوی مطالبہ یعنی انتقام وغیرہ صرف اسلامی
شریعت ہی کا ہے یہہ کہ اوسکی سبب سے شنوا تہی بنی اسرائیل مین ہزارون نبی ہوئے اونمین سے کسیکے لئے یہہ خصوصیت منسوب ہو سکتی
ہی کیونکہ جو اونمین نبی ہوتا تہا خواہ چہوٹا خواہ بڑا وہ اوسکی شریعت ہی کا تہا اور جسکی نہین سنتے تہے تو دوسرا اوسکے بعد یا اوسکے ساتھہ ہی
نصیحت کرنے کو موجود ہوجاتا تہا چنانچہ چار سو سے زیادہ انبیا ایک وقت مین
موجود تہے ۲ تواریخ ۱۸ باب ۵ و ۶ و ۷ اور حضرت عیسیٰ کے ہم عہد بہی یوحنا
بپتسما دینے والا یعنی حضرت یحییٰ اور اور انبیاء بنی اسرائیل تہے دیکہو اعمال
۱۱ باب ۲۷ مگر یہہ خصوصیت اوسیکی طرف منسوب ہے جو بنی اسمعیل یعنی بنی
اسرائیل کے بہائیون مین سے ہوا تا کہ یہودی اوسے اپنے بارہ فرقون سے علیحدہ
سمجہہ کر انکار نکرین
پہر یہہ کہ میری مانند یعنی حضرت موسیٰ کی مانند پس حضرت نبی آخر الزمان صلعم کے
سوا اور کوئی نبی موسیٰ کی مانند نہین ہوا جیسا کہ استثنا ۳۴ باب ۱۰ سے ظاہر
ہے جسکے بعینہ عبارت یہہ ہے اب تک بنی اسرائیل مین موسیٰ کی مانند کوئی نبی
نہین اوٹہا جس سے خداوند آمنے سامنے آشنائی کرتا انتہی چنانچہ قال اللہ تعالی

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (مزمل جزو ۲۹)

۱	حضرت نبی آخر الزمان صلعم نے جہاد کیا	جیسے حضرت موسیٰ نے جہاد کیا تھا خروج ۱۷ باب ۸ سے ۱۶ و گنتی ۲۱ باب ۲۳ سے ۲۵ اور ۳۱ باب استثنا اول باب ۴
۲	حضرت صلعم پر شریعت نازل ہوئی	جیسے حضرت موسیٰ پر خروج ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ باب استثنا ۴ باب ۱
۳	حضرت صلعم قضائی فیصل کرتے تھے	جیسے حضرت موسیٰ خروج ۱۸ باب ۱۳ سے ۲۶ اعمال ۷ باب ۳۵
۴	حضرت صلعم نے مدینہ میں ہجرت کی	جیسے حضرت موسیٰ نے مدیان میں خروج ۱۲ باب ۱
۵	حضرت صلعم نے معراج میں اکیلے خدا سے کلام کیا	جیسے حضرت موسیٰ نے طور پر خروج ۱۹ باب ۲۰
۶	حضرت صلعم نے چاند کو انگشت شہادت سے اشارہ کر دو ٹکڑے کیا	جیسے حضرت موسیٰ نے عصا سے اشارہ کر کے بحر قلزم کو دو حصہ کیا خروج ۱۴ باب ۱۶ و ۲۱

اور یہہ عجیب بات ہے کہ دریا کو چاند سے مناسبت ہے چنانچہ سمندر چاند کی ترقی کے ساتھ جوش میں رہتا اور بڑھتا ہے لیکن اس سے رسول اللہ صلعم کا

رتبہ بلند ظاہر ہوتا ہے اور اسکے مقابل مین حضرت موسیٰؑ کی کمال فروتنی ظاہر ہوتی ہے یعنی جسطرح حضرت موسیٰؑ کا معراج طور پر تہا اور حضرت نبی اسلام علیہ الصلاۃ والسلام کا معراج عرش سے بہی بلند تر تہا اسیطرح حضرت موسیٰ کا یہہ معجزہ زمین پر ہوا اور حضرت صلعم کا یہہ معجزہ آسمان پر ہوا حضرت موسیٰ کو تو عصا کا سہارا تہا اور یہان صرف انگلی کا اشارہ تہا ۵ ہوا کب جادہ ہمسر کہکشان کا تفاوت ہے زمین و آسمان کا ۔ اور چونکہ بعد حضرت موسیٰ کے حضرت صلعم نے یہہ معجزہ دیکہایا تو ضرور ہوا کہ بنظر امتیاز حضرت موسیٰ کے اوس معجزہ پر اسے تفوق ہو ۵ اولین نسخہ گرچہ بیست بود ۔ آخرین بہتر از نخست بود ۔ یہی سبب ہے کہ حضرت صلعم نے فرمایا کہ اگر موسیٰ میرے وقت مین ہوتے تو میری پیروی کرتے جیسا کہ مشکوۃ مین دارمی سے منقول ہے بروایت جابر (اعجاز قرآن صفحہ ۱۴)

۷ حضرت صلعم کی انگلیون سے پانی کے سوت جاری ہوئے	جیسے حضرت موسیٰ نے چٹان سے پانی نکالا تہا خروج ۱۷ باب گنتی باب ۱۱ اول فرشتیون کا ۱۱ باب
۸ حضرت صلعم نے اپنے بہائی یعنی حضرت علی علیہ السلام سے فرمایا یَا عَلِی اَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَۃِ هَارُوْنَ مِنْ مُوْسٰی ۔ سیر الاسلام باب ۲ صفحہ ۵۶	اور کسی نبی نے اپنے بہائی کو بمنزلہ ہارون نہین کہا
۹ حضرت صلعم کی پشت مبارک پر مہر نبوت تہی	جیسے حضرت موسیٰ کے ہات مین ید بیضا خروج ۴ باب ۶ ان کے سوا اور کسی کے بغیر ظاہری نشان نبوت کے ساتہہ

	نہین ظاہر ہوا
۱۰ حضرت صلعم نے کعبہ کے بت پرستون مین نشو نما پایا	جیسے حضرت موسیٰؑ نے فرعون کی صحبت مین اعمال ۷ باب ۲۲ خروج ۲ باب ۱۰
۱۱ حضرت صلعم باعیال تھے	جیسے حضرت موسیٰؑ خروج ۲ باب ۲۱ و ۲۲ اور ۱۸ باب ۶
۱۲ حضرت صلعم کے جانشین فرمانروا ہوۓ	جیسے حضرت موسیٰؑ کے جانشین دیکھو یشوع کی کتاب اور قاضیون کی کتاب وغیرہ
۱۳ حضرت صلعم چالیس برس کی عمر مین نبی ہوۓ	جیسے حضرت موسیٰؑ نے پورے ۴۰ برس کی عمر مین اسرائیلی کی مدد مین مصری کو مار ڈالا تھا اور پھر پورے چالیس برس کے بعد نبوت پائی اعمال ۷ باب ۲۲ و ۲۳ خروج ۲ باب ۷
۱۴ حضرت صلعم دنیا مین مدفون رہے	جیسے حضرت موسیٰؑ استثنا ۳۴ باب ۵
۱۵ حضرت صلعم یروسلم سے باہر ہجرت کرتے رہے	جیسے حضرت موسیٰؑ دیکھو خروج سے استثنا تک
۱۶ حضرت صلعم نہایت حسین تھے سیر الاسلام باب اول صفحہ ۲۲ اور مقدمہ سیل صاحب صفحہ ۶ گبن صاحب مورخ نے لکھا ہے کہ آنحضرت صلعم	جیسے حضرت موسیٰؑ اعمال ۷ باب ۲۰ خروج ۲ باب ۲

فہرست کتب مصنفۂ جناب امام فن مناظرۂ اہل کتاب

نوید جاوید این کتاب مستقل جامع جوابات مختلف
پادری تردیدات متنوعہ لائق دیداست بر ناظرین
بوقت معائنہ لطف این معلوم خواہد شد مختصر کیفیت
این کہ از حال تا قیامت اکثر اعتراضات از روئے
علم و عقل بر اسلام عائد میشوند جوابش مفصل حسب ارشاد
علما اہل کتاب یافتہ خواہند شد قیمت فی جلد [illegible]

دولت فاروقی این کتاب مستقل تاریخ
بیت المقدس و انبیاء مرسلین است تا حال بہ کسی بابت
ہمچنین کتاب تصنیف نشدہ قیمت فی جلد ۳/

عقوبت الضالین جواب ہدایت المسلمین مصنفہ
پادری عماد الدین بانی بی کہ منافی حسب نصائح اللہ ۱۲/

رقیمة الوداد جواب نیاز نامہ مصنفہ پادری
صفدر علی اکسٹرا اسسٹنٹ کمشنر ناگپور کہ ایشان در
سنہ ۱۸۶۹ء اشتہار دادہ بود کہ جواب کتاب
من ذکرہ ابطال اسلام و حقیقت مذہب عیسویت
از مسلمانان ہند و عرب وغیرہ کسی ننوشت
باوصفیکہ مدتی میگزرد کہ جواب شدہ مشتہر شد
قیمت فی جلد ۶/

لحن داؤدی جواب نغمۂ طنبوری کہ پادری
عماد الدین از مجتہد لکھنو مباحثہ کردہ طبع
کنانیدہ بود قیمت فی جلد ۲/

انعام عام جواب آئینہ اسلام فی جلد ۴/

استیصال جواب رسالہ مسیح الدجال ۵/

تصحیح الناموس جواب تفسیر مکاشفات
مصنفۂ پادری عماد الدین فی جلد ۴/

افحام الخصام جواب تفتیش الاسلام
مصنفۂ راجرس صاحب قیمت جلد ۸/

مجموعۂ وعظ حصۂ اول کہ درین وعظہا کہ
امام صاحب فراہم نمودہ اند فی جلد ۴/

ایضاً حصۂ دوم " ۶/

یادداشت برائی واعظین رد نصاری
دستور العمل است فی جلد [illegible]

اشلاق (فی رد تہذیب الاخلاق) در تہذیب الاخلاق
انکار زندہ رفتن عیسیٰ بر آسمان نمودہ است
رد جواب آن قیمت فی جلد ۴/

حرز جان جواب رسالہ اصلیت قرآن کہ
مصنفۂ عبد الدارہم اکسٹرا اسسٹنٹ کمشنر انبالہ

تبیان ۔ درین دوازدہ سوال نصاری است

اعزاز قرآن جواب اعجاز قرآن مصنفہ
ماسٹر امجد عیسائی قیمت فی جلد

میزان المیزان جواب میزان الحق
مصنفۂ پادری فانڈر صاحب فی جلد

مصباح الابرار فی رد مفتاح الاسرار
مصنفۂ پادری فانڈر صاحب فی جلد ۶/

فہرست کتب مصنفہ مولوی سید محمد نصر علی صاحب رضا متخلص بہ قیصر

مفید عام حصہ اول الف ان اردو انگریزی حاصل بے استاد حاصل میشود ۲ روپیہ

ایضاً دوم کہ ہر زبان بالا و نیز فارسی

ایضاً سوم کہ ہر چہار زبان بالا و نیز فرانسیسی

ایضاً چہارم ہر پنج زبان بالا و نیز ترکی

مخزن اللغات — سوائے ترکی و فرانسیسی بر ہر چہار زبان بکار آمد است و زیادہ از شش ہزار لغت مستند فی جلد ۶ روپے

تذکرۃ السلاطین در بیان سلاطین نامی روم و تصاویر آنہا مع کوائف ضروری مع نقشجات مقامات مشہور فی جلد ۱۰ آنہ

تاریخ انگلستان مع تصاویر ۱ روپیہ

صلاح و فلاح در باب نکاح بیوگان ۲/

قیصر یعنی تاریخ روم مع نقشجات ۱ روپیہ

جواہر زواہر محتوی بر قطعات عجیبہ ۶ روپیہ

احسن الدلیل فی معلومات توریۃ و الانجیل از این کتاب سر مطالب توراۃ و انجیل بخوبی می فہمد

گلدستہ شاداب — تاریخ مکانات متبرکہ قدیمہ عیسائیان و مضامین مناظرہ ہر قسم ۸/

کلمۃ الحق — قصہ حضرت منصور از روایات انجیل طبق کامل بحالات عیسیٰ داده است و حاشیہ ہر مصرع از انجیل زیب داده ۲/



رحمت عظیم — در بیان اولیاء اللہ است ۴/

گلدستہ رؤسا — درین کتاب حالات جملہ نوابان و مہاراجگان ہند و دیگر کوائف مثل مالگزاری و رقبہ و آمدنی و تعداد توپ سلامی و کیفیت دربار اختیار خطاب ملکہ معظمہ بشرح و بسط مندرج است ۲ روپیہ

ذخیرہ حسنات درین غزلہائے شعرا بزبان اردو و عربی و فارسی در نعت آنحضرت ۸/

تاریخ مدینہ منورہ و کعبہ شریف تمامی حالات آن زوار و نقشجات مع حالات رسوم وغیرہ ۴/

اتالیق ترکی برای تعلیم آموزگی زبان ترکی بہ تقابل اردو و فارسی و عربی و ترکی لغات و مصادر و چند کلمات مراسلت نوشتہ شد ۲ روپیہ

ایضاً اردو — فارسی عربی ترکی انگریزی ۳ روپیہ

جواہر بے بہا تعلیم مفردات و مرکبات خطوط نسخ و نستعلیق و تعلیق و کوفی و شکستہ و شفیعہ و جبنی و طغرا و ثلث و غبار و گلزار و ریحان و توام و غیرہ بخط جلی بہ تقطیع کلان مع قواعد خوشنویسی و ترکیب ساخت روشنائی وغیرہ ۵/

سیر عالم اسباب حکایات نتائج بی ثباتی دنیا

انشاء نصرت اردو ۶/

ایضاً فارسی ۸/

ایضاً عربی ۱۲/